نشریه علمی پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)
مقاله پژوهشی/ سال بیست و سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۲، ص: ۱۶۸-۱۴۵

کلید حل معمای فسادمالی: جنسیت، دولت، ادیان و تأثیر آنها بر هم[۱]

نعیمه حمیدی[۲]
کریم آذربایجانی[۳]
مرتضی سامتی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۵ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۱/۶/۲۰

چکیده

در مقاله حاضر، با هدف تبیین رفتار جنسیتی انسان ها در قالب نهاد دولت، سعی شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که آیا با کاهش نابرابری های جنسیتی، فسادمالی کاهش می یابد یا فسادمالی مانعی در جهت دستیابی به برابری های جنسیتی است؟ همچنین آیا تحقق و گسترش فسادمالی، بیشتر در گرو عوامل جنسیتی است یا نهادی؟ در این راستا، برای داده های آماری ۸۹ کشور منتخب جهان با استفاده از رویکرد داده های تابلویی پویا و سیستمی (GMM System) و خودرگرسیون برداری (PVAR) طی دوره ۲۰۱۷-۲۰۰۸ به بررسی رابطه فسادمالی و نابرابری جنسیتی پرداخته شده است. در این راستا، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)، شاخص ادراک فسادمالی (CPI) و شاخص پول‌شویی (AML)، به عنوان جایگزینی برای شاخص فسادمالی استفاده شده و همچنین به منظور بررسی حساسیت عملکرد نهاد دولت، دو گروه ابزارهای عملکردی دولت نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج حاصل از سیستم های برآوردی، حاکی از آن است که در پی افزایش مشارکت زنان در بخش عمومی، فسادمالی کاهش می یابد و فسادمالی، مشارکت زنان را در بخش عمومی کاهش می دهد. به عبارتی، رابطه علی بین این دو متغیر اثبات شده است. همچنین در پی یافتن کلید حل معمای فسادمالی، فارغ از هرگونه رفتار جنسیتی، نهاد دولت به عنوان حلقه مفقوده رابطه جنسیت و فسادمالی، به طور معناداری در اثرگذاری این دو شاخص بر هم مؤثر است. همچنین برخلاف نهاد دولت، ادیان هیچگونه تأثیری در ارتباط متغیرهای سیستمی بر هم ندارند.

واژگان کلیدی: فسادمالی، پول‌شویی، جنسیت، ادیان، دولت
طبقه بندی JEL: O11، J18، J16، J08، D73،H11

---

۱. مقاله حاضر، از رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) استخراج شده است.

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی (گرایش بخش عمومی و توسعه اقتصادی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران nhamidi66@yahoo.com

۳. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول) k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir .

۴. استاد گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. msameti@gmail.com

۱. مقدمه

در مقاله حاضر، تلاش شده است تا به این سؤال پاسخ داده شود که: فسادمالی، بیشتر در گرو عوامل جنسیتی[۱] است یا نهادی؟ چراکه امروزه، با همه گیر شدن پدیده فسادمالی، اثرات سوء آن بر بسیاری از جنبه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سایه افکنده و به کاهش کارآیی منجر شده است.

جامعه جهانی، فسادمالی را به عنوان یک عارضه اقتصادی و اجتماعی تلقی نموده و اندیشمندان بسیاری در علوم اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روانشناسی، در راستای بررسی ریشه ها، پیامدها و عوامل تشدید کننده آن، در حال مطالعه می باشند. مطالعات تا به آنجا گسترده شد که در مطالعه دالر و همکاران[۲] (۲۰۰۱)، زنان به دلایلی از جمله درجه ریسک پذیری کمتر نسبت به مردان و آشنایی کمتر با حلقه های فاسد، به دلیل دیرتر وارد شدن به بازار کار نسبت به مردان، به عنوان اسطوره پاکی و شفافیت اقتصادی معرفی شدند.

سوآمی و همکاران[۳] (۱۹۹۸)، نیز در مطالعه خود، نشان دادند که زنان نسبت به مردان، کمتر رشوه قبول می کنند و مرتکب فسادمالی کمتری می شوند. در این راستا، کریمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز به این نتیجه دست یافتند که با افزایش حضور زنان در بخش عمومی، فسادمالی کاهش می یابد.

بنابرین طبق مطالعات مذکور، هر چه بافت جنسیتی در اقتصاد و سیاست به نفع زنان باشد، فسادمالی کمتر خواهد شد. اما طبق گزارش یوروپل[۴] در سال ۲۰۱۹ ، "جرم جنسیت نمی شناسد"؛ لذا لزوم بررسی این مسأله در فضایی فارق از رفتار جنسیتی بلکه در چهارچوب نهادها، می تواند مفید باشد.

در مقاله حاضر، رفتار جنسیتی انسان ها در قالب نهاد دولت، بررسی می شود؛ چراکه فسادمالی به عنوان یک عارضه اجتماعی که آثار منفی اقتصادی را به همراه دارد، از جمله کاهش سرمایه گذاری، رشد اقتصادی و ... (تنزی[۵]، ۱۹۹۸)، در هیچ یک از ادیان مورد قبول نبوده و نظر به اینکه دین می تواند بر رفتار و اعمال انسان ها تأثیرگذار باشد، لذا در انجام مطالعه حاضر، سعی بر آن بوده است تا رفتارهای جنسیتی انسان ها در چهارچوب ادیان بررسی شود.

در این راستا، با استفاده از اطلاعات ۸۹ کشور جهان طی سال های ۲۰۱۷- ۲۰۰۸ و با استفاده از تکنیک سیستم گشتاورهای تعمیم یافته، ضمن بررسی ارتباط بین فسادمالی و نابرابری جنسیتی، به این پرسش پرداخته می شود که آیا نهاد دولت و ادیان (اسلام و مسیحیت)، می توانند حلقه اتصال ارتباط بین فسادمالی و جنسیت باشند؟ به این منظور از متغیرهای اصلی شاخص ادراک فسادمالی[۶]

---

۱. جنسیت شامل نقش‌های اجتماعی و رفتارهایی است که فرهنگ و جامعه برای جنس ها (مرد و زن) قائل می‌شود. این نقش‌ها، دامنه انتظارات رفتاری از جنس‌های (مرد و زن) را مشخص می‌کند.

2. Dollar *et al.* (2001)
3. Swamy *et al.* (1998)
4. Europol
5. Tanzi (1998)
6. Corruption Perception Index

(CPI)، شاخص پول‌شویی[1] (AML) و شاخص نابرابری جنسیتی[2] (GII)، استفاده شده است. مقاله حاضر، از لحاظ روش، تحلیلی و اسنادی، و از لحاظ هدف، کاربردی می باشد. اطلاعات و داده های مورد نیاز برای آزمون فرضیه ها، به روش کتابخانه ای گردآوری، و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از گشتاورهای تعمیم یافته سیستمی (GMM- SYSTEM) برای داده های پانلی[3] انجام شده است. این مقاله از پنج بخش تشکیل می شود؛ پس از مقدمه، بخش دوم به مرور ادبیات تحقیق اختصاص دارد. در بخش سوم، تصریح مدل انجام می شود و در بخش چهارم، نتایج سیستم های برآوردی ارائه می گردد. بخش پایانی نیز به نتیجه گیری اختصاص دارد.

۲. ادبیات موضوع

پیرو نگرانی های اندیشمندان و سازمان های بین المللی در حوزه نابرابری های اجتماعی اعم از نابرابری درآمدی و قومی- قبیله ای، نوع دیگری از نابرابری که حاصل تمایزات جنسیتی می باشد نیز مطرح شده است. تعابیر نابرابری جنسیتی، شکاف جنسیتی، بی عدالتی و تبعیض جنسیتی، به یک مفهوم اشاره داشته و نظریه های اخیر، بیانگر آن است که، اگر منابع عمده اجتماعی و اقتصادی در اختیار یک گروه و یا یک جنسیت باشد، سیستمی از قشربندی و سلسله مراتب جنسیتی به وجود می آید. لذا استفاده از امتیازات و مزایای این سیستم، احتمال افزایش موقعیت برتر و کنترل بیشتر بر منابع و فرصت ها را برای همان جنسیت فراهم آورده و در نهایت، به برتری آن جنسیت در جامعه منجر می شود (آزاده منصوره، ۱۳۸۴). نظر به اینکه سازمان ملل، برابری جنسیتی را از جمله حقوق بشر دانسته و این مسأله تا آنجا مورد توجه قرار گرفته که یکی از اهداف توسعه هزاره، که پیش شرط تحقق سایر اهداف است، کاهش نابرابری جنسیتی می باشد.

در مقاله حاضر، این موضوع مطرح است که آیا این نگاه به مسأله که کاهش نابرابری جنسیتی در کاهش فسادمالی می تواند به اندازهٔ کافی، اثر گذار باشد، یا باید ریشه را در جایی دیگر جست؟

در این راستا، با تحقیقاتی از جمله مطالعات تنزی[4] (۱۹۹۸)، در رابطه با ریشه ها و تبعات بروز فسادمالی، مطالعات تا آنجا ادامه یافت که تفاوت جنسیتی و تأثیر آن بر فسادمالی، مورد توجه قرار گرفت. اقتصاددانان تفاوت رفتار زن و مرد در مقابل فسادمالی را مورد بحث قرار دادند و آنچه توجه بسیاری را برانگیخت، نتایج برخی تحقیقات مبنی بر این بود که در شرایط مختلف (کوتاه مدت و بلندمدت) و در سطوح متفاوت (نمایندگی پارلمان، مدیریت بنگاه و حتی سهم نیروی کار معمولی) حضور پر رنگ زنان در جامعه، سطح فسادمالی را به شکل معنی داری کاهش می دهد. به عبارتی «مردان بیش از زنان به منفعت شخصی خود اهمیت می دهند و زنان رتبه های بالاتری در آزمون های درستی و

1. Anti-Money Laundering/Counter-Financing of Terrorism
2. Gender Inequality Index
3. System Generalized Method of Moments (GMM-SYS) for Panel Data
4. Tanzi (1998)

صداقت کسب نموده اند» (دالر و همکاران[1]، ۲۰۰۱). و پیرو آن، مطالعات بسیاری انجام شده است که جملگی نقش زنان را در کاهش فسادمالی تأیید نموده اند (فورکس پوچینو و لاو[2]، ۲۰۲۱؛ برین و همکاران[3]، ۲۰۱۷؛ ایساری و چریلو[4]، ۲۰۱۳؛ صمیمی و حسینمردی[5]، ۲۰۱۱).

دلایل متعددی در این راستا بیان شده است. برخی از محققان بر این عقیده اند که ریسک پذیری زنان کمتر از مردان می باشد و از آنجا که فعالیت های مالی فاسد، همیشه با خطر برملا شدن و مجازات شدن همراه است، لذا زنان به دلیل ریسک پذیری کمتر نسبت به مردان، کمتر به فسادمالی ترغیب می شوند (ایکل و فوربون[6]، ۲۰۱۵). دلیل دیگری که مطرح شده، این است که زنان نسبت به مردان دیرتر وارد بازار کار و سیاست شده اند و این تأخیر در حضور، علتی است بر اینکه چرا آنان هنوز با شبکه های فسادمالی و نحوه انجام آن آشنایی ندارند و در نتیجه، کمتر وارد گروه های فسادمالی و اداری شده اند؛ که البته ممکن است با گذر زمان و آشنایی زنان با شبکه های فسادمالی، آنان نیز در ارتکاب جرم مانند مردان عمل نمایند.

برخی دیگر بر این باورند که مشارکت بیشتر زنان در عرصه های سیاسی توسط نظام مردمی و در سایه دمکراسی صورت می پذیرد که باعث افزایش برابری جنسیتی و بهبود خدمات دولتی می گردد و نتیجه آن، کاهش فسادمالی و مصادیق آن است. به عبارتی، افزایش کارآیی حاکمیت است که فسادمالی را کاهش می دهد (ریواس[7]، ۲۰۱۳).

فورکس پوچینو و لاو[8] (۲۰۲۱)، بر اساس رویکرد تعادل عمومی پویا که در آن، توسعه اقتصادی بر پایه انباشت سرمایه است، اذعان دارند که فسادمالی، فرصت اختلاس از منابع عمومی است که کارمندان دولتی در اجرای سیاست های عمومی دارند که درصورت افشای ارتکاب به فسادمالی و اخراج آنها از دولت، آنها وارد بخش خصوصی خواهند شد. لذا نتایج تحقیق آنها مبنی بر آن است که: وقتی تبعیض جنسیتی در دولت کمتر از بخش خصوصی باشد، امکان فسادمالی زنان به عنوان کارمندان دولت کمتر از مردان است. بنابراین، سیاست افزایش حضور زنان به عنوان کارمند دولتی، امکان ارتکاب به فسادمالی را کاهش می دهد و به تقویت توسعه اقتصادی منجر می شود.

در پی تحقیقات صورت گرفته، دولت ها و مؤسسات بین المللی جهان، تمهیداتی را در جهت افزایش مشارکت زنان در سیاست و تجارت اندیشیده و عملی نمودند؛ از جمله هدف سوم از مجموعه

1. Dollar *et al*. (2001)
2. Forgues-Puccio & Lauw (2021)
3. Breen *et al*. (2017)
4. Esarey & Chirillo (2013)
5. Samimi & Hosseinmardi (2011)
6. Eckel & Fullbrunn (2015)
7. Rivas (2013)
8. Forgues-Puccio & Lauw (2021)

اهداف توسعه هزاره[1] مبنی بر "ارتقاء برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان"، یکی از این اقدامات می باشد. با این حال طی بررسی های انجام شده، رابطه علی بین این عوامل هنوز معلوم نیست.

در این راستا، ایساری و شونت بایر[2] (۲۰۱۹)، در حوزه علوم سیاسی، دریافتند که نمایندگی زنان به طور قابل توجه و معنی داری، فسادمالی را کاهش داده و فسادمالی نیز موجب کاهش معنی دار مشارکت زنان در دولت می شود.

استاتنیک و همکاران[3] (۲۰۲۲)، در مطالعه ای، با بررسی ۶۸ کشور جهان، نشان دادند که فسادمالی، شکاف جنسیتی را در دسترسی به منابع مالی افزایش داده و به نابرابری جنسیتی بالایی در فعالیت های اقتصادی منجر می شود.

از بعد دیگر، در چند دهه اخیر، اقتصاد جهانی با پدیده پول‌شویی و آثار مخرب آن بر اقتصاد کشورها مواجه بوده است، به طوری که با جهانی شدن اقتصاد، آزادسازی جریان های سرمایه بین کشورها، توسعه بانکداری بین المللی، ابداع و به کارگیری ابزارهای جدید نقل و انتقال الکترونیکی وجوه در سطح بین المللی، پول‌شویی نیز تا حدودی تسهیل شده است و پول شویان اغلب شبکه های خود را به کشورهایی منتقل می کنند که سیستم های مالی ضعیف دارند یا کشورهایی که اقدام مؤثری علیه پول شویان انجام نمی دهند (کشتکار، ۱۳۸۹).

سازمان برنامه توسعه ملل متحد در سال ۲۰۰۸، شایع ترین گونه های فسادمالی را رشوه، تقلب، پول‌شویی، اخاذی، رشوه استخدام، نفوذ نامشخص، آشنا بازی، فامیل بازی، پارتی بازی، تجارت شخصی، حق التسریع، اختلاس، سوء استفاده از اموال عمومی می داند (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۰). لذا پول‌شویی یکی از انواع فسادمالی بوده که ثباتِ بخش مالی کشورها را تهدید می نماید (هایبل گومز[4]، ۲۰۱۶).

به عبارتی، پول‌شویی با نابودی نهادهای مالی و گسترش سایر انواع فسادمالی، موجب کاهش بهره وری در بخش واقعی اقتصاد می شود. پول‌شویی با کاهش جریان سرمایه و تجارت بین الملل، توسعه اقتصادی را با معضل مواجه می سازد (این و همکاران[5]، ۲۰۱۲). لذا کارآیی یک نظام ضدپول‌شویی به میزان زیادی بستگی به کوشش دولت و نهادهای مالی در مبارزه با پول‌شویی دارد. نظر به اینکه در کشورها، فسادمالی و مصادیق آن از طریق تغییر در ترکیب مخارج دولت و درآمدهای دولت، عاملی مخرب بر کارآیی دولت، برهم زننده تعادل بودجه و کاهش بهره وری مخارج دولت می باشند (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۰).

بنابراین، لزوم توجه به نقش نهاد دولت و بررسی رفتار کارگزاران دولتی، به عنوان هسته اولیه مطالعات ضد فسادمالی ضرورت می یابد و از این رو، به دور از مسأله رفتار جنسیتی، در کاهش

1. Millennium Development Goals
2. Esarey & Schwindt-Bayer (2019)
3. Statnik *et al*.(2022)
4. Hayble-Gomes(2016)
5. ENE *et al*. (2012)

فسادمالی در پی استفاده بیشتر از یک جنسیت خاص، این احتمال وجود خواهد داشت که نهادها و چهارچوب عاملی تعیین کننده باشند و نه لزوماً جنسیت؛ به طوری که میلتون فریدمن[1] (۱۹۷۵)، بیان می دارد "من باور ندارم که راه حل مشکلات ما این باشد که صرفاً افراد درستی را انتخاب کنیم. نکته مهم، ایجاد فضایی است که در آن، منفعت افراد نادرست در انجام کار درست باشد. در غیر این صورت، حتی افراد درست هم کار خوب را انجام نخواهند داد، یا اگر هم سعی کنند انجام دهند، سریعاً از دولت کنار گذاشته می شوند".

لذا می توان نتیجه گرفت که نهادهایی ناکارآمد با چهارچوب های ضعیف، افراد را مجبور به انجام سلسله فعالیت هایی می کنند که در کل، برای ساختار اقتصادی کشور پرهزینه خواهد بود. شاید بهتر باشد علت اینکه فسادمالی و پول‌شویی در یک اقتصاد گسترده بوده و در اقتصادی دیگر کمرنگ تر می باشد را در نهادها و کم و کیف آن جستجو نمود. در این راستا، با بررسی اثرات متقابل فسادمالی، پول‌شویی و نابرابری جنسیتی و علل و عوامل آن، می توان یک استراتژی صحیح و کارا برای مهار فسادمالی پیشنهاد نمود. همچنین در بعد دیگر، مقاله حاضر، به بررسی تأثیر ادیان در رابطه دو سویه فسادمالی و جنسیت می پردازد.

اگرچه از سال ها قبل، این مسأله مورد توجه محققان بوده است، به طوری که در این راستا، دو گروه مطالعات متضاد وجود دارند. لاپورتا و همکاران[2] (۱۹۹۹)، در مطالعات نظری خود دریافتند که فسادمالی در کشورهای مسلمان و کاتولیک به دلیل اثرات مخرب آن بر دموکراسی و برابری، بیشتر شایع می باشد. در حالی که سامانتا[3] (۲۰۱۱) و نورث و همکاران[4] (۲۰۱۳)، در مطالعات خود، نتایج قبلی را رد نمودند. این دو گروه از مطالعات، به رغم اینکه دین را به عنوان یک عامل فرهنگی در نظر گرفتند، از متغیرهای کنترلی متفاوتی در این راستا بهره جستند.

نظر به اینکه نوع متغیر کنترلی، ارتباط مستقیم با نتیجه مطالعات دارد، لذا شادابی[5] (۲۰۱۳)، در مطالعه خود، با بررسی ۱۷۴ کشور در سال ۲۰۱۰ و با در نظر گرفتن تمام متغیرهای کنترلی اقتصادی و غیراقتصادی، نشان داد که اسلام و مسیحیت، تأثیر بسزایی بر فسادمالی ندارند. بنابراین، با در نظر گرفتن مطالعات پیشین در این زمینه، در مطالعه حاضر، سعی بر این است تا ارتباط بین فسادمالی و جنسیت را با در نظر گرفتن نقش نهادی دولت و در چهارچوب ادیان مورد بررسی قرار دهد.

نظر به مطالعات صورت گرفته، می توان اذعان داشت که مطالعات مذکور، متفقاً به این نتیجه رسیده اند که با افزایش حضور زنان در عرصه های اقتصادی و سیاسی، فسادمالی کاهش می یابد؛ اما شکاف تحقیقاتی موجود به روی دیگر سکه نیز اشاره دارد که: آیا افزایش فسادمالی، می تواند عاملی در کاهش حضور زنان در عرصه های اقتصادی و سیاسی باشد یا خیر؟ همچنین آیا این اثرگذاری

1. Friedman (1975)
2. La Porta *et al*. (1999)
3. Samanta (2011)
4. North *et al*. (2013)
5. Shadabi (2013)

صرفاً به دلیل رفتار جنسیتی است؛ از جمله اینکه زنان نسبت به مردان ریسک گریزتر می باشند و ... یا حاکمیت و نحوه عملکرد دولت، همان حلقه گمشده این اثرگذاری است؟ که از بین مطالعات فوق، تنها ایساری و شونت بایر[1](۲۰۱۹)، جنبه سیاسی آن را مورد بررسی قرار داده اند که از نظر رویکرد اقتصادی، متغیرها و نوع روش مورد استفاده، با مطالعه حاضر متفاوت می باشد.

لذا نتایج مطالعه حاضر به جهت رویکرد و استفاده از متغیرهای نابرابری جنسیت، فسادمالی و شاخص پول‌شویی، می تواند دستاوردی جدید در ادبیات فسادمالی باشد. مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه فسادمالی و جنسیت، با رویکرد اثبات نقش سیاسی و اقتصادی زنان در کاهش فسادمالی بوده است، در حالی که در مقاله حاضر، با تمرکز بر نقش نهاد دولت و دین، رویکرد متعارف یعنی نقش سیاسی و اقتصادی زنان در کاهش فسادمالی و نیز نقش فسادمالی در کاهش بسترهای فعالیت زنان در جامعه اعم از سیاست و اقتصاد، بررسی شده است.

۳. تصریح مدل

در پژوهش حاضر، از شاخص های ادراک فسادمالی، پول‌شویی و شاخص نابرابری جنسیتی استفاده به عمل آمده که از شاخص ادراک فسادمالی (CPI)، به‌منظور ارزیابی میزان شفافیت اقتصادی استفاده شده است. شاخص ذهنی ادراک فسادمالی، متعلق به بازه صفر تا ۱۰ بوده و شاخصی است که هرساله توسط سازمان بین المللی شفافیت[2] (TI) محاسبه و منتشر می شود. در این شاخص، مقدار عددی بزرگ‌تر بیانگر فسادمالی کمتر و شفافیت اقتصادی بیشتر است.

به منظور بررسی حساسیت نتایج به انتخاب شاخص، از شاخص پول‌شویی AML استفاده شده است. این شاخص، هر ساله توسط مؤسسه ضد پول‌شویی «بازل» سوئیس با استفاده از ۱۴ شاخص مبتنی بر استانداردهای AML/CTF، مقررات مالی، شفافیت عمومی، شاخص‌های اندازه‌گیری فسادمالی و حکومت قانون بر اساس ریسک موجود در پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در هر کشور، به رتبه بندی کشورهای دنیا می پردازد. امتیاز هر کشور از صفر (ریسک پایین در پول‌شویی) تا ۱۰ (ریسک بالا در پول‌شویی) می‌باشد.

به منظور بررسی های جنسیتی، از شاخص ترکیبی نابرابری جنسیتی (GII) که در سه بعد بهداشت، توانمندسازی و فعالیت های اقتصادی تهیه و تدوین شده است، استفاده می شود. این شاخص ها هر ساله برای تمام کشورهای جهان محاسبه و منتشر می شوند و اطلاعات آماری آن از طریق پایگاه سازمان توسعه ملل متحد طی گزارش های توسعه انسانی[3] (HDR)، قابل استناد می باشد. این شاخص از نظر عددی، بین صفر و یک است، و هرچه به یک نزدیکتر شود، بیانگر نابرابری جنسیتی بیشتر می باشد.

1. Esarey & Schwindt-Bayer (2019)
2. Transparency International
3. United Nations Development Program, Human Development Resource

جدول (۱)، بیانگر ویژگی‌های آماری متغیرهای سیستمی مورد استفاده در مقاله حاضر می‌باشد و ملاحظه می‌گردد که واریانس مقطعی بین کشوری، بیشتر از واریانس سری زمانی می باشد. به عبارتی، شناسایی ضرایب، از محل تفاوت‌های بین کشوری است.

جدول ۱: ویژگی های آماری متغیرهای سیستمی

متغیر	میانگین		انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم	مشاهدات
ادراک فساد مالی (CPI)	۴/۷۰	Overall	۲/۰۵	۱/۸	۹/۵	۸۹۰
		Between	۲/۰۳	۲/۰۶	۹/۱۵	۸۹
		within	۰/۳۲	۳/۴۷	۵/۵۷	۱۰
شاخص پول‌شویی (AML)	۵/۷۴	Overall	۱/۳	۰/۹۸	۸/۹۹	۸۹۰
		Between	۱/۲۴	۳/۰۰۲	۸/۵۷	۸۹
		within	۰/۴۰	۳/۷۲	۸/۰۳	۱۰
نابرابری جنسیتی (GII)	۰/۳۳	Overall	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۶۸	۸۹۰
		Between	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۶۸	۸۹
		within	۰/۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۴۷	۱۰

مأخذ: یافته های پژوهش

به جهت اینکه هدف از نگارش مقاله حاضر، بررسی رابطه جنسیت و فسادمالی می باشد، تنوع شاخص فسادمالی، صرفاً به جهت تقویت مدل و اطمینان از نتایج به دست آمده می باشد. ابزارهای مورد استفاده نیز صرفاً به منظور تقویت مدل و کاهش حساسیت نتایج به متغیرها به دو دسته تقسیم شده است. ابزارهای حکمرانی خوب[1] با موضوع کیفیت حکمرانی است که با اتکا به ۶ شاخص، حق اظهار نظر و پاسخ گویی[2] (VA)، ثبات سیاسی[3] (PS)، کارآیی دولت[4] (GE)، کیفیت قوانین و مقررات[5] (RQ)، حاکمیت قانون[6] (RL) و کنترل فساد[7] (CCI) به عنوان نماینده ای از عملکرد دولت در نظر گرفته شده است و هر ساله توسط بانک جهانی برای اکثر کشورهای جهان محاسبه می شود.

1. Governance data
2. Voice and Accountability
3. Political Stability and Absence of Violence/Terrorism
4. Government Effectiveness
5. Regulatory Quality
6. Rule of Law
7. Control of Corruption

ابزارهای بعدی، شاخص های بنیاد فریزر[1] شامل اندازه دولت[2] (SOG)، ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت[3] (LSPR)، دسترسی به پول سالم[4] (SM)، آزادی تجارت خارجی[5] (EFW) و مقررات[6] (REG) می باشند. این دو گروه از ابزارها، ابزارهای شناسایی عملکرد نهاد دولت می باشند و درنهایت، متغیرهای توسعه انسانی[7] (HDI)، توسعه فناوری اطلاعات[8] (IDI) و رشد اقتصادی[9] (تولید ناخالص داخلی سرانه) به عنوان شاخص هایی که بر بهبود هر یک از دو جنبه مقاله حاضر یعنی جنسیت و شفافیت اقتصادی مؤثر می باشند، در نظر گرفته شده ، و اطلاعات آماری این ابزارها، به ترتیب، از پایگاه های گزارش توسعه انسانی سازمان توسعه ملل متحد[10] (HDR)، اتحادیه جهانی مخابرات[11] (ITU) و بانک جهانی[12] (WB) استخراج شده است.

با توجه به ادبیات موضوع در راستای بررسی اهداف پژوهش حاضر، تقویت مدل و کاهش حساسیت نتایج به انتخاب شاخص فسادمالی، دو شاخص ادراک فسادمالی و شاخص پول‌شویی و دو دسته متغیرهای ابزاری در نظر گرفته شده است. لذا سیستم های ذیل با توجه به شاخص ها و ابزارهای مورد بررسی، به دو گروه دوتایی تقسیم شده اند.

سیستم های شماره (۱)، مربوط به شاخص ادراک فسادمالی (CPI)، سیستم های شماره (۲)، مربوط به شاخص پول‌شویی (AML)، یک بار با گروه ابزاری حکمرانی خوب (Governance) و یک بار با گروه ابزاری بنیاد فریزر (Fraser) برآورد می شوند.

$$\begin{cases} \mathrm{CPI} = \mathrm{f}(\mathrm{lag\ CPI}, \mathrm{GII}) \\ \mathrm{GII} = \mathrm{f}(\mathrm{lag\ GII}, \mathrm{CPI}) \end{cases} \quad (۱)$$

$$\begin{cases} AML = \mathrm{f}(\mathrm{lag\ AML}, \mathrm{GII}) \\ \mathrm{GII} = \mathrm{f}(\mathrm{lag\ GII}, \mathrm{AML}) \end{cases} \quad (۲)$$

$$\mathrm{IV(Governance)} = \mathrm{RQ, RL, VA, GE, PS, CCI, IDI, GDP, HDI}$$
$$\mathrm{IV(Fraser\ )} = \mathrm{LSRP, REG, SM, EFW, SOG, IDI, GDP, HDI}$$

در مقاله حاضر، انتظار می رود که با افزایش شفافیت (کاهش شاخص ادراک فسادمالی) و کاهش ریسک پول‌شویی، شاخص نابرابری جنسیتی کاهش یابد، همچنین با کاهش نابرابری جنسیتی، انتظار می رود که شفافیت اقتصادی، افزایش و ریسک پول‌شویی، کاهش یابد.

1. Fraser Institute
2. Size of Government
3. Legal System and Property Rights
4. Sound Money
5. Freedom to Trade Internationally
6. Regulation
7. Human Development index
8. ICT Development Index
9. Economic Growth
10. Human Development Report
11. International Telecommunication Union
12. World Bank

۴. برآورد مدل

۴-۱. برآورد مدل به روش GMM-SYSTEM

نظر به اینکه در مقاله حاضر، به برآورد سیستمی بر پایه روش داده های تابلویی پویا پرداخته شده، قبل از برآورد سیستم ها، به منظور اطمینان از نبود رگرسیون کاذب، آزمون مانایی[1] انجام شده است. نتایج آزمون ها طبق جدول شماره (۲)، حاکی از عدم وجود ریشه واحد برای همه متغیرها با عرض از مبدأ و روند است و به عبارتی، فرضیه صفر آزمون ریشه واحد مبنی بر وجود ریشه واحد (نامانایی) رد شده ، و لذا با مانا بودن همه متغیرها در سطح مشکل رگرسون کاذب وجود نداشته است.

همچنین به منظور بررسی حساسیت نتایج نسبت به ادیان، دو گروه کشورهای مسلمان و مسیحی نیز مورد بررسی قرار گرفتند. در جدول های شماره (۳)، (۴)، (۵) و (۶)، نتایج برآورد سیستم هایی ارائه شده است که به طور همزمان، با حضور نهاد دولت یک بار بدون در نظر گرفتن ادیان و یک بار هم با در نظر گرفتن ادیان، به بررسی رابطه شاخص ادراک فسادمالی و شاخص پول‌شویی با نابرابری جنسیتی پرداخته شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون ریشه واحد متغیرها

متغیرها		با عرض از مبدأ و روند				
		LLC	IPS	ADF	PP	مانایی
CPI	آماره آزمون	-۷/۷۷	-۱/۳۱	۲۱۱/۵۶	۲۲۶/۳۱	I(0)
	سطح احتمال	۰,۰۰۰	۰,۱	۰,۰٤	۰,۰۰۸	
AML	آماره آزمون	-۱۷/۹۰	-۳/۸۴	۳۳۸/۱۵	۴۱۲/۱۲	I(0)
	سطح احتمال	۰,۰۰۰	۰/۰۰۰۱	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	
GII	آماره آزمون	-۲۴/۹۳	-۱/۴۶	۲۲۰/۸۱	۲۳۶/۷۳	I(0)
	سطح احتمال	۰,۰۰۰	۰,۰۷	۰,۰۲	۰,۰۰۲	

مأخذ: یافته های پژوهش

نتایج سیستم های شماره (۱)، که در آن، به برآورد ارتباط بین متغیرهای ادراک فسادمالی و نابرابری جنسیتی پرداخته شده، در جدول شماره (۳)، ملاحظه می شود. نتایج سیستم گروه IV(Governance) که در حضور ابزارهای نهادی حکمرانی خوب برآورد شده، حاکی از آن است که شاخص نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فسادمالی[2]، رابطه ای منفی و معنی دار دارند؛ به این معنی که با هر واحد افزایش در شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص ادراک فسادمالی، ۰/۴۱ کاهش می یابد. به عبارتی، با افزایش نابرابری جنسیتی، شفافیت اقتصادی کاهش می یابد. همچنین با یک

1. Unit Root Test

۲. شاخص ادراک فسادمالی، عددی بین ۱ تا ۱۰ می باشد که هرچه به سمت ۱۰ نزدیکتر شود، بیانگر شفافیت اقتصادی بیشتر است.

واحد افزایش در شاخص فسادمالی (افزایش شفافیت اقتصادی)، شاخص نابرابری جنسیتی ۰/۰۰۱ کاهش می یابد.

با طبقه بندی کشورها از لحاظ ادیان از جمله کشورهای مسلمان، کشورهای مسیحی و سایر کشورها (غیر از اسلام و مسیحیت) نیز نتایج مشابهی ملاحظه شده است. لذا می توان اذعان داشت که در بررسی ارتباط شفافیت اقتصادی و نابرابری جنسیتی، نتایج نسبت به ادیان حساس نمی باشند.

از طرفی، نتایج ارائه شده در جدول شماره (۴)، سیستم گروه (IV(Fraser، که با حضور ابزارهای نهادی بنیاد فریزر برآورد شده است، مشابه نتایج سیستم گروه IV(Governance) می باشد. به طوری که با یک واحد افزایش در شاخص ادراک فسادمالی (افزایش شفافیت اقتصادی)، شاخص نابرابری جنسیتی، ۰/۰۰۱ کاهش یافته و در مقابل، با یک واحد افزایش در شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص ادراک فسادمالی، ۰/۴۷ کاهش می یابد. به عبارتی، افزایش شفافیت اقتصادی در پی کاهش نابرابری جنسیتی، نتیجه شده که با بررسی ادیان نیز نتایج فوق تأیید می گردد. لذا می توان نتیجه گرفت، همان طور که انتظار می رفت، شاخص های ادراک فسادمالی و نابرابری جنسیتی در حضور شاخص های نهادی، معرف عملکرد دولت، دارای رابطه ای منفی و علیتی بوده و نتایج، به انتخاب ابزارهای نهادی و ادیان حساس نمی باشد.

جدول ۳: ارتباط شاخص ادراک فسادمالی و نابرابری جنسیتی با ابزارهای حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته شاخص ادراک فسادمالی			
	کشورهای جهان	کشورهای اسلامی	کشورهای مسیحی	سایر کشورها
CPI (-2)	۰/۹۳ (۰,۰۰)	۰/۹۰ (۰,۰۰)	۰/۹۳ (۰,۰۰)	۰/۹۵ (۰,۰۰)
GII	-۰/۴۱ (۰,۰۰)	-۰/۲۴ (۰,۰۰)	-۰/۵۵ (۰,۰۰)	-۰/۲۹ (۰,۰۹)
عدد ثابت	۰/۵۱ (۰,۰۰)	۰/۵۵ (۰,۰۰)	۰/۵۷ (۰,۰۰)	۰/۴۰ (۰,۰۰)
D.W	۱/۱۹۷	۱/۲۳	۱/۱۴	۱/۳۵
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
GII (-1)	۰,۹۹ (۰,۰۰)	۰,۹۸ (۰,۰۰)		
GII (-2)			۰,۹۹ (۰,۰۰)	۰,۹۷ (۰,۰۰)
CPI	-۰,۰۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۰۲ (۰,۰۴)	-۰,۰۰۰۵ (۰,۰۱)	-۰,۰۰۲ (۰,۰۰)
عدد ثابت	۰,۰۰۲ (۰,۱۶)	۰,۰۱ (۰,۱)	-۰,۰۱ (۰,۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۰)
D.W	۱,۶۱۵	۱/۳۷	۱,۲۵	۰,۹۹
J- statistic	۰,۲۸	۰/۴۳	۰/۴۰	۰,۵۰

مأخذ: یافته های پژوهش

* مقادیر داخل پرانتز بیانگر سطح احتمال (prob) می باشند.

* حروف اختصاری، معرف متغیرهای سیستمی می باشند: شاخص ادراک فسادمالی (CPI)، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

جدول ۴: ارتباط شاخص ادراک فسادمالی و نابرابری جنسیتی با ابزارهای بنیاد فریزر

متغیر مستقل	متغیر وابسته شاخص ادراک فسادمالی			
	کشورهای جهان	کشورهای اسلامی	کشورهای مسیحی	سایر کشورها
CPI (-2)	۰,۹۲ (۰,۰۰)	۰,۹۵ (۰,۰۰)	۰,۹۶ (۰,۰۰)	۰,۹۴ (۰,۰۰)
GII	-۰,۴۷ (۰,۰۰)	-۰,۳۳ (۰,۱۵)	-۰,۲۶ (۰,۰۹)	-۰,۲۹ (۰,۱۴)
عدد ثابت	۰,۵۸ (۰,۰۰)	۰,۲۸ (۰,۰۳)	۰,۳۵ (۰,۰۰)	-۰,۴۱ (۰,۰۰)
D.W	۱,۱۸	۱,۲۶	۱,۱۶	۱,۳۵
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
GII (-1)		۰,۹۸ (۰,۰۰)		
GII (-2)	۰,۹۸ (۰,۰۰)		۰,۹۹ (۰,۰۰)	۰,۹۷ (۰,۰۰)
CPI	-۰,۰۰۱ (۰,۰۱)	-۰,۰۰۱ (۰,۰۸)	-۰,۰۷ (۰,۰۵)	-۰,۰۰۲ (۰,۰۰)
عدد ثابت	۰,۱۷ (۰,۰۸)	۰,۰۱ (۰,۰۷)	-۰,۰۱ (۰,۰۱)	۰,۰۱ (۰,۰۰)
D.W	۱,۰۹	۱,۳۸	۱,۲۴	۰,۹۹
J- statistic	۰,۲۵	۰,۳۴	۰,۳۷	۰,۵۶

مأخذ: یافته های پژوهش

* مقادیر داخل پرانتز، بیانگر سطح احتمال (prob) می باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می باشند: شاخص ادراک فسادمالی (CPI)، شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

در دو جدول (۵) و (۶)، نتایج برآورد سیستم های شماره (۲)، مربوط به شاخص نابرابری جنسیتی و شاخص پول‌شویی گزارش شده و نتایج برآورد سیستم ها با گروه IV(Governance) ، بیانگر رابطه ای مثبت و معنی‌دار بین شاخص های پول‌شویی و نابرابری جنسیتی بوده، به طوری که با احتمال ۹۹ درصد، با یک واحد افزایش در شاخص نابرابری جنسیتی، شاخص پول‌شویی، ۰/۷۶ افزایش یافته است. از طرفی، با یک واحد افزایش در شاخص پول‌شویی، با احتمال ۹۹ درصد، نابرابری جنسیتی به میزان ۰/۰۰۲ واحد افزایش می یابد. در مقابل نیز نتایج جدول (۶)، برآوردی در گروه

IV(Fraser)، که با حضور ابزارهای بنیاد فریزر است، که مشابه نتایج با حضور شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد.

همچنین با بررسی حساسیت نتایج نسبت به ادیان، ملاحظه می شود که با اطمینان بالایی، نتایج مؤید اثر مثبت و معنی دار شاخص پول‌شویی و نابرابری جنسیتی بر یکدیگر می باشند.

جدول ۵: ارتباط شاخص پول‌شویی و نابرابری جنسیتی با ابزارهای حکمرانی خوب

متغیر مستقل	متغیر وابسته شاخص پول‌شویی			
	کشورهای جهان	کشورهای اسلامی	کشورهای مسیحی	سایر کشورها
AML (-2)	۰,۸۶ (۰,۰۰)	۰,۹۱ (۰,۰۰)	۰,۸۸ (۰,۰۰)	۰,۹۳ (۰,۰۰)
GII	۰,۷۶ (۰,۰۰)	۰,۴۱ (۰,۰۰)	۰,۷۹ (۰,۰۰)	۰,۴۷ (۰,۰۰)
عدد ثابت	۰,۵۴ (۰,۰۰)	۰,۳۶ (۰,۰۰)	۰,۴۴ (۰,۰۰)	۰,۲۹ (۰,۰۰)
D.W	۱,۱۱	۱,۰۷	۱,۰۷	۰,۸۲
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
GII (-2)	۰,۹۸ (۰,۰۰)	۰,۹۶ (۰,۰۰)	۰,۹۹ (۰,۰۰)	۰,۹۷ (۰,۰۰)
AML	۰,۰۰۲ (۰,۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۰)	۰,۴۶ (۰,۰۳)	۰,۰۰۴ (۰,۰۰)
عدد ثابت	-۰,۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۴ (۰,۰۰)	-۰,۰۱ (۰,۰۰)	-۰,۰۲ (۰,۰۰)
D.W	۱,۱۹	۱,۱۱	۱,۲۵	۱,۰۳
J- statistic	۰,۲۵	۰,۳۵	۰,۲۵	۰,۵۰

مأخذ: یافته های پژوهش

* مقادیر داخل پرانتز، بیانگر سطح احتمال (prob) می باشند.

* حروف اختصاری، معرف متغیرهای سیستمی می باشند: شاخص پول‌شویی (AML) و شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

جدول ۶: ارتباط شاخص پول‌شویی و نابرابری جنسیتی با ابزارهای بنیاد فریزر

متغیر مستقل	متغیر وابسته شاخص پول‌شویی			
	کشورهای جهان	کشورهای اسلامی	کشورهای مسیحی	سایر کشورها
AML (-2)		۰,۹۰ (۰,۰۰)	۰,۸۹ (۰,۰۰)	۰,۹۲ (۰,۰۰)
AML (-3)	۰,۷۹ (۰,۰۰)			
GII	۱,۱۶ (۰,۰۰)	۰,۴۵ (۰,۰۰)	۰,۷۲ (۰,۰۰)	۰,۵۴ (۰,۰۰)
عدد ثابت	۰,۷۸ (۰,۰۰)	۰,۳۸ (۰,۰۰)	۰,۳۵ (۰,۰۰)	۰,۳۰ (۰,۰۰)
D.W	۰,۷۵	۱,۰۷	۱,۰۷	۰,۸۲
متغیر وابسته، شاخص نابرابری جنسیتی				
GII (-2)		۰,۹۶ (۰,۰۰)	۰,۹۹ (۰,۰۰)	۰,۹۷ (۰,۰۰)
GII (-3)	۰,۹۷ (۰,۰۰)			
AML	۰,۰۰۳ (۰,۰۰)	۰,۰۱ (۰,۰۰)	۰,۴۰ (۰,۰۱)	۰,۰۰۳ (۰,۰۰)
عدد ثابت	−۰,۰۲ (۰,۰۰)	−۰,۰۴ (۰,۰۰)	−۰,۰۱ (۰,۰۰۲)	−۰,۰۲ (۰,۰۰)
D.W	۰,۹	۱,۱۱	۱,۲۵	۱,۰۳
J- statistic	۰,۲۴	۰,۳۰	۰,۲۱	۰,۴۷

مأخذ: یافته های پژوهش

* مقادیر داخل پرانتز، بیانگر سطح احتمال (prob) می باشند.

* حروف اختصاری معرف متغیرهای سیستمی می باشند: شاخص پول‌شویی (AML) و شاخص نابرابری جنسیتی (GII)

در نتیجه، در برآوردهای سیستمی فوق، رابطه دوسویه بین جنسیت و فسادمالی تأیید شده است که پیش تر ایساری و بایر (Esarey & Schwindt-Bayer, 2019) برای اولین بار رابطه علیتی این دو متغیر را تأیید نموده بودند.

همچنین می توان اذعان داشت که هم راستا با مطالعه ریواس (Rivas, 2013) که نوع حاکمیت را در وقوع فسادمالی مؤثر می داند، مقاله حاضر نیز اثبات نموده که رابطه متغیرهای جنسیتی و فسادمالی، قویاً تحت تأثیر نوع حاکمیت و عملکرد دولت، میزان توسعه فناوری اطلاعات، رشد اقتصادی و توسعه انسانی است، اما همان طور که شادابی (Shadabi, 2013) در مطالعه خود، اسلام و مسیحیت را در میزان وقوع فسادمالی بی تأثیر می داند، مطالعه حاضر نیز رابطه دوسویه فسادمالی و جنسیت را در حضور متغیرهای نهادی، صرف نظر از نوع مذهب (اسلام و مسیحیت) تأیید می نماید.

بنابراین، هدف مقاله حاضر که تبیین رفتار جنسیتی انسان ها در قالب نهاد دولت می باشد، وجود رابطه دوسویه بین شاخص فسادمالی و شاخص نابرابری جنسیتی را تأیید نموده و نهاد دولت را به عنوان حلقه اتصال این ارتباط می داند. علاوه بر آن، یافته های تحقیق حاضر، بیانگر عدم حساسیت نتایج به انتخاب شاخص های فسادمالی، انتخاب ابزارهای نهادی معرف دولت و ادیان می باشد.

۲-۴. برآورد مدل به روش PVAR

نظر به اینکه نتایج تخمین مدل های خودرگرسیون برداری در پانل دیتا قابل تفسیر نبوده و صرفاً هدف بررسی توابع عکس العمل آنی و بررسی رابطه علیتی است، به این منظور، با توجه به مانایی متغیرها در جدول (۲) و اطمینان از مانایی همه متغیرها از یک درجه و عدم وجود رگرسیون کاذب، برای هر دو سیستم مورد مطالعه، وقفه های بهینه تعیین شدند؛ به طوری که در جدول های شماره (۷) و (۸) مشخص شده است، با استفاده از آماره های آکائیک[1]، شوارتز[2] و حنان کوئین[3]، وقفه بهینه برای هر دو سیستم، یک می باشد. انتخاب وقفه بهینه برای بررسی رابطه علیتی بین متغیرها و توابع عکس العمل آنی بسیار مهم است، به صورتی که آزمون علیت گرنجری، نسبت به انتخاب طول وقفه بهینه حساس بوده و در صورت انتخاب طول وقفه بهینه اشتباه، به نتایجی غیرقابل اعتماد در مدل منجر خواهد شد.

جدول ۷: نتایج انتخاب وقفه بهینه سیستم ۱

Lag	Logl	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	۷۳۰,۹-	NA	۰,۰۵	۲,۷۴	۲,۷۶	۲,۷۵
۱	۱۳۵۸,۰۴	۴۱۵۴,۵	۰,۰۰۰۰۳	۵,۰۶-	*۵,۰۱-	۵,۰۴-
۲	۱۳۷۰,۳	۲۴,۲۵	۰,۰۰۰۰۳	۵,۰۹-	۵,۰۱-	*۵,۰۶-
۳	۱۳۷۳,۹	۷,۱۲	۰,۰۰۰۰۳	۵,۰۹-	۴,۹۸-	۵,۰۵-
۴	۱۳۸۳,۷	*۱۹,۳۷	*۰,۰۰۰۰۲	*۵,۱۱-	۴,۹۷-	۵,۰۶-

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۸: نتایج انتخاب وقفه بهینه سیستم ۲

Lag	Logl	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	-۵۳۹,۱۱	NA	۰,۰۳	۲,۰۶	۲,۰۴	۲,۰۳
۱	۱۲۸۰,۳	*۶۳۱۸,۵	*۰,۰۰۰۰۳	*۴,۷۷-	*۴,۷۲-	*۴,۷۵-
۲	۱۲۸۱,۹	۳,۰۵	۰,۰۰۰۰۳	۴,۷۶-	۴,۶۸-	۴,۷۳-
۳	۱۲۸۳,۳	۲,۸۹	۰,۰۰۰۰۳	۴,۷۵-	۴,۶۴-	۴,۷۱-
۴	۱۲۸۶,۵	۶,۲۶	۰,۰۰۰۰۳	۴,۷۵-	۴,۶۱-	۴,۶۹-

مأخذ: یافته های پژوهش

نظر به اینکه نتایج مدل PVAR قابل تفسیر نبوده و صرفاً از آنها برای بررسی رابطه علی بین متغیرها و توابع عکس العمل آنی استفاده می شود، لذا با توجه به نتایج برآورد به روش PVAR جدول (۹) و (۱۰)، نتایج رابطه علی متغیرهای سیستمی در جدول (۱۱) گزارش شده است. ملاحظه می شود که در هر چهار معادله (سیستم ۱ و ۲)، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود علیت گرنجری، رد، و فرضیه مقابل مبنی بر وجود رابطه علیت گرنجری تأیید شده است. به عبارتی، علیت دوطرفه بین

1. Modified Akaike Information Criterion (AIC)
2. Modified Bayesian Information Criterion (SC)
3. Modified Quinn Information Criterion (HQ)

متغیرهای نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فسادمالی (سیستم ۱) و همچنین بین متغیرهای نابرابری جنسیتی و پول‌شویی (سیستم ۲) وجود دارد.

جدول ۹: نتایج برآورد مدل PVAR برای سیستم ۱

شرح	CPI		GII	
	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال
CPI(-1)	۰,۹۶	۰,۰۰۷	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۰۴
GII(-1)	-۰,۱۶	۰,۰۸	۰,۹۸	۰,۰۰۴

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۱۰: نتایج برآورد مدل PVAR برای سیستم ۲

شرح	AML		GII	
	آماره آزمون	احتمال	آماره آزمون	احتمال
AML (-1)	۰,۹۲	۰,۰۰۹	۰,۰۰۲	۰,۰۰۰۵
GII(-1)	۰,۴۶	۰,۰۶	۰,۹۸	۰,۰۰۴

مأخذ: یافته های پژوهش

جدول ۱۱: نتایج آزمون دو طرفه علیت گرنجری برای سیستم ها

آزمون علیت گرنجری		
فرضیه صفر	آماره آزمون	احتمال
$GII \nrightarrow CPI$	۴,۶۸	*۰,۰۳
$CPI \nrightarrow GII$	۸,۴۱	۰,۰۰۴
$GII \nrightarrow AML$	۵۵,۲۳	۰,۰۰۰
$AML \nrightarrow CPI$	۱۲,۷۲	۰,۰۰۰

مأخذ: یافته های پژوهش

یکی دیگر از کاربردهای روش PVAR، بررسی واکنش متغیرهای الگو نسبت به شوک های به وجود آمده در هر یک از متغیرها می باشد. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای اصلی در هر سیستم، پویایی اثرات متقابل متغیرها از طریق مدل خودرگرسیون برداری در پانل دیتا (PVAR) مورد ارزیابی قرار گرفته است. به عبارتی، نشان داده می شود که اگر یک تغییر ناگهانی (شوک) در یک متغیر رخ دهد، اثر آن بر روی خود متغیر و دیگر متغیرها در طول دوره های مختلف، چه مقدار خواهد بود. به این منظور، برای هر دو سیستم مورد مطالعه، توابع عکس العمل آنی بررسی شده است.

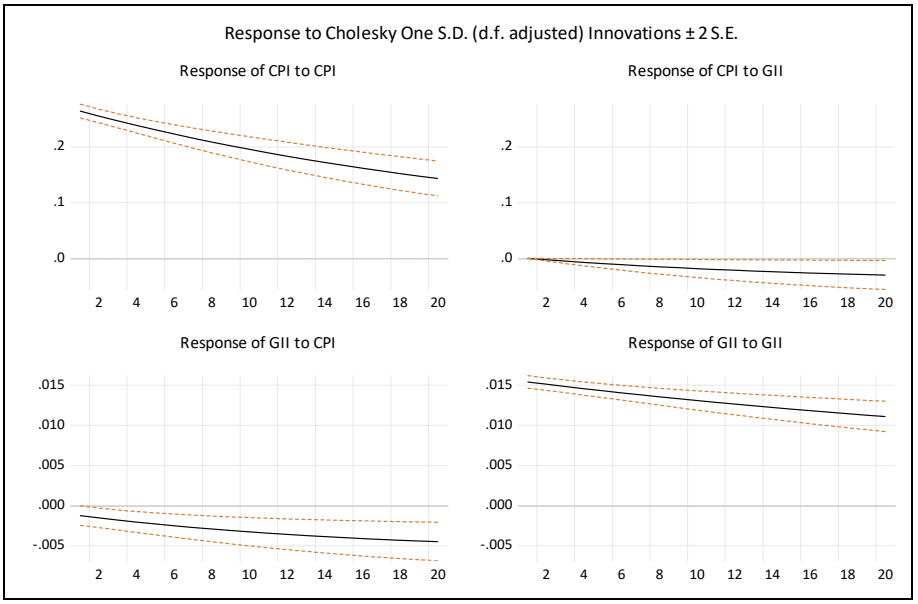

مأخذ: یافته های پژوهش

شکل ۱: توابع عکس العمل آنی برای سیستم ۱

نمودار فوق، توابع عکس العمل آنی متغیرهای نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فساد مالی در مقابل شوک های وارد شده به اندازه یک انحراف معیار را نشان می دهد. خطوط وسط، بیانگر عکس العمل های آنی متغیرهای نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فسادمالی تا ۲۰ دوره بوده و خطوط بالا و پایین، کرانه های مثبت و منفی برای انحراف معیار عکس العمل های آنی می باشند. به عبارتی، با بروز هر شوک از طرف شاخص ادراک فسادمالی، شاخص نابرابری جنسیتی، روندی نزولی را در پیش می گیرد و واکنش نابرابری جنسیتی به شاخص ادراک فسادمالی طی ۲۰ دوره، منفی است. لذا همان طور که انتظار داشتیم و در نتایج مدل های GMM-SYSTEM نیز اثبات شده است، با افزایش شاخص فسادمالی (افزایش شفافیت)، نابرابری جنسیتی کاهش می یابد. طبق نتایج منعکس شده در نمودار فوق، شوک ناشی از شاخص نابرابری جنسیتی نیز دارای اثر معکوس بر شاخص ادراک فسادمالی می باشد اما نسبت به شوک وارده به شاخص نابرابری جنسیتی از طرف شاخص فسادمالی این اثر طی ۲۰ دوره، ملایم تر می باشد.

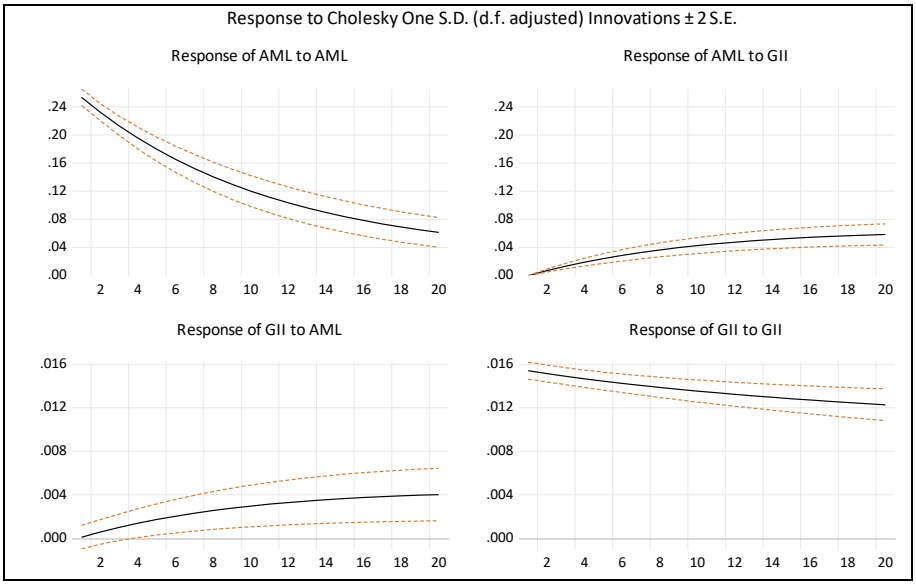

مأخذ: یافته های پژوهش

شکل ۲: توابع عکس العمل آنی برای سیستم ۲

نمودار فوق، توابع عکس العمل آنی متغیرهای نابرابری جنسیتی و شاخص پول‌شویی در مقابل شوک های وارد شده به اندازه یک انحراف معیار را نشان می دهد. در نمودار فوق، خطوط وسط، بیانگر عکس العمل های آنی متغیرهای نابرابری جنسیتی و شاخص پول‌شویی تا ۲۰ دوره بوده و خطوط بالا و پایین، کرانه های مثبت و منفی برای انحراف معیار عکس العمل های آنی می باشند. طبق نتایج نمودار (۲)، با هر شوک، افزایش شاخص پول‌شویی طی ۲۰ دوره، شیب تابع عکس العمل شاخص نابرابری جنسیتی صعودی اما کاهنده می باشد. به عبارتی، شاخص نابرابری جنسیتی افزایش می یابد اما در طول دوره، از سرعت این افزایش کاسته می شود. نتایج برای شوک شاخص نابرابری جنسیتی نیز به صورت مشابه می باشد به عبارتی رابطه مثبت و کاهنده در واکنش نابرابری جنسیتی به پول‌شویی نیز طبق انتظار، صادق است.

بنابراین، نتایج هر دو الگوی مورد مطالعه در مقاله حاضر، مؤید ارتباط منفی و معنادار بین متغیرهای سیستم اول یعنی نابرابری جنسیتی و شاخص ادراک فسادمالی بوده و همچنین ارتباط مثبت و معنادار در سیستم دوم یعنی بین دو شاخص نابرابری جنسیتی و پول‌شویی می باشند.

۵. نتیجه گیری

مقاله حاضر با هدف تبیین رفتار جنسیتی انسان ها در قالب نهاد دولت و ادیان با استفاده از رویکرد داد های تابلویی پویا، به بررسی رابطه دوسویه شاخص فسادمالی و نابرابری جنسیتی با بهره گیری از داده های آماری ۸۹ کشور جهان طی سالهای ۲۰۱۷-۲۰۰۸ پرداخته، که انتخاب کشورها با توجه به دسترسی به اطلاعات آماری بوده، و در این راستا، از شاخص ادراک فسادمالی، شاخص پول‌شویی و شاخص نابرابری جنسیتی استفاده شده است. نتایج، حاکی از آن است که: اثر همزمان و اثر علی جنسیت بر فسادمالی اثبات می شود و به نوع ابزارها و شاخص های فسادمالی حساس نمی باشد.

مقاله حاضر در بررسی رابطه بین فسادمالی و جنسیت، عوامل نهادی از جمله عملکرد نهاد دولت را مسأله‌ای بسیار مهم تر از ویژگی های فردی یا جنسیتی یافته و در این راستا به بررسی رابطه این دو متغیر در حضور نهاد دولت و ادیان پرداخته است؛ به طوری که در حضور نهاد دولت، با افزایش شفافیت اقتصادی، شاخص نابرابری جنسیتی کاهش می یابد. از طرفی با کاهش نابرابری جنسیتی، شفافیت اقتصادی افزایش می یابد. همچنین از دیگر نتایج مقاله حاضر، عدم حساسیت نتایج به ادیان بوده ، و در تمام سیستم های مورد بررسی، آزمون سارگان مبنی بر معتبر بودن ابزارها به تأیید رسیده و بنابراین، طبق نتایج، می توان اذعان داشت که اهداف مقاله حاضر، تأیید شده است.

در خاتمه و در راستای نتایج به دست آمده، می توان تأیید کرد که ریشه ها و پیامدهای عارضه هایی همچون فسادمالی و نابرابری جنسیتی در سایه عملکرد نامناسب دولت ها به وقوع می پیوندند و با توجه به اینکه یکی از شاخص های مورد ارزیابی فسادمالی در مقاله حاضر، شاخص پول‌شویی بوده است، لذا می توان گفت که انضباط مالی و شفافیت مبادلات مالی و بانکی، به کاهش پول‌شویی و در نتیجه، کاهش فسادمالی در حوزه مالی و بانکی منجر خواهد شد. بنابراین، اندازه بهینه دولت و تغییر در هدف گذاری تصمیم های اقتصادی با رویکرد بهبود شاخص های بخش عمومی و نهادهای مالی و تطابق با استانداردهای مالی و بانکی در جهت افزایش شفافیت، عاملی مهم در مهار عارضه های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی است.

به منظور گسترش مطالعات آتی در این زمینه، پیشنهاد می گردد با استفاده از سایر شاخص های شفافیت، جنسیت و ابزارهای نهادی، حساسیت نتایج نسبت به انتخاب شاخص ها و ابزارها بررسی گردد.

References

Azadeh Mansoreh, A. (2005)."Awareness of Gender Inequality: A Model for Measuring Knowledge of Gender Inequalities". Journal of Women in Development and Politics, 2: 51-73, (in Farsi).

Breen, M., Gillanders, R., McNulty, G., & Suzuki. A. (2017). "Gender and Corruption in Business". The Journal of Development Studies, 53(9): 1486-1501.

Dollar, D., Fisman, R., & Gatti. R. (2001). "Are Women Really the "Fairer" Sex? Corruption and Women in Government". Journal of Economic Behavior & Organization, 46(4): 423-429.

Eckel, C. C., & Füllbrunn, S. C. (2015). "Thar SHE Blows? Gender, Competition, and Bubbles in Experimental Asset Markets". American Economic Review, 105(2): 906-920.

Ene, C. M., Uzlau, M. C., & Cristea. D. G. (2012). "The Economic Impact of Financial Abuse, Financial Crime and Money Laundering". Hyperion International Journal of Econophysics & New Economy, 5(1): 147-158.

Esarey, J., & Chirillo, G. (2013). ""Fairer Sex" or Purity Myth? Corruption, Gender, and Institutional Context". Politics & Gender, 9(4): 361-389.

Esarey, J., & Schwindt-Bayer, L. A. (2019). "Estimating Causal Relationships between Women's Representation in Government and Corruption". Comparative Political Studies, 52(11): 1713-1741.

Forgues Puccio, G. F., & Lauw. E. (2021). "Gender Inequality, Corruption, and Economic Development". Review of Development Economics, 25(4): 2133-2156.

Hayble Gomes, E. E. (2016). The Economic Impact of Deficient Anti Money Laundering Program to a Multinational Bank (Publication No. 10164833) (Doctoral dissertation, Walden University). Proquest Dissertations and Theses Global.

Karimi Petanlar, S., Babazadeh, M., & Hamidi. N. (2011). "The Effect of Fiscal Corruption on Government Tax Revenues and Expenditure: Case Study of Selected Developing Countries". Journal of Economic Research and Policies, 19(57): 157-170, (in Farsi).

Karimi, S., Gilak Hakim Abadi, M. T., & Nabati. Z. (2018). "Financial Corruption and Women Employment in Selected Countries". Women Studies, 8(22): 65-81, (in Farsi).

Keshtkar, M. (2010). *Money Laundering Phenomenon, International Measures and Anti-Money Laundering Solutions*. Central Bank of the Islamic Republic of Iran: 1-41, (in Farsi).

La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny. R. (1999). "The Quality of Government". The Journal of Law, Economics, and Organization, 15(1): 222-279.

North, C. M., Orman, W. H., & Gwin, C. R. (2013). "Religion, Corruption, and the Rule of Law". Journal of Money, Credit and Banking, 45(5): 757-779.

Rivas, M. F. (2013). "An Experiment on Corruption and Gender". Bulletin of Economic Research, 65(1): 10-42.

Samanta, S. K. (2011). "Corruption, Religion and Economic Performance in OPEC Countries: An Analysis". International Journal of Economics, Management and Accounting, 19(2).

Samimi, A., & Hosseinmardi, H. (2011). "Gender and Corruption: Evidence from Selected Developing Countries". Middle East Journal of Scientific Research, 9(6), 718-727.

Shadabi, L. (2013). "The Impact of Religion on Corruption". The Journal of Business Inquiry, 12(1): 102-117.

Statnik, J. C., Vu, T. L. G., & Weill, L. (2022). "Does Corruption Discourage More Female Entrepreneurs from Applying for Credit?". Comparative Economic Studies, : 1-28.

Swamy, A., Knack, S., Lee, Y., & Azfar, O. (2001). "Gender and Corruption". Journal of Development Economics, 64(1): 25-55.

Tanzi, V. (1998). "Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures". Staff Papers, 45(4): 559-594.

Treisman, D. (2000). "The Causes of Corruption: A Cross National Study". Journal of Public Economics, 76(3): 399-457.

Quarterly Journal of The Economic Research (Sustainable Growth and Development)
Original Research Article/ Vol.23, No.2, Summer 2023, P: 145-168

The Key to Solve the Corruption problem: Gender, Government, Religions and their Impact on Each Other[1]

Naime Hamidi[2]
Karim Azarbayjani[3]
Morteza Sameti[4]

Received: 2022-8-6 Accepted: 2022-9-11

Aim and Introduction

In recent years, economists have come to recognize that corruption is not just a deviation or a hurt; it is a systemic feature of many economies, which constitutes a significant impediment to economic growth and development. The present article tries to answer this question: does corruption more depended on gender or institutional factors? Today with the spread of corruption, its negative effects have overshadowed many economic, social and political aspects and have led to reduced efficiency. The international community considers corruption as an economic and social complication and many thinkers in economic, social, political and psychological sciences are studying its causes and consequences. Studies have expanded to such an extent that in the study of (Dollar et al., 2001), women are considered as myth of transparency for reasons such as lower risk averse than men and less meet with corrupt activities because they enter the labor market later than men. In this regard, (Karimi et al., 2018), also concluded that with the increase of women participation in the public sector, corruption will decrease. Therefore, less gender inequality in the economy and politics leads to the less corruption. But according to a Europol report in 2019, " Crime has no gender." Therefore, this study investigates the issue in a different atmosphere from gender behavior and examines the issue in the framework of institutions. The present article investigates the gender behaviors of human in framework of government performance and religions. Corruption as a social complication has many negative economic effects such as reduced investment, economic growth, etc. (Tanzi, 1998). Therefore, it is rejected by all religions because of religion can influence human behavior and actions. Finally, a substantial body of recent research looks at differences in the behavior of men and women in diverse economic transactions. We contribute to this literature by investigating gender differences. So, this article tries to study the gender behaviors of human. This study shows that Islam and Christianity have no significant effect on relation between corruption and gender inequality index. But all the results showed that

---

[1]. This article has been extracted from the PhD Thesis of the first author at Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran.

[2]. PhD student of Economics, Islamic Azad University Isfahan (Khorasgan) Branch, Isfahan, Iran, E-mail: nhamidi66@yahoo.com

[3]. Professor of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran, (Corresponding Author), E-mail: k_azarbayjani@ase.ui.ac.ir

[4]. Professor of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Iran, E-mail: msameti@gmail.com

government performance does influence this relation. Also, the robustness test strongly confirmed the results of the study.

Methodology

The data are drawn from a wide range of sources. There are two major measures of corruption: Corruption Perceptions Index (CPI), that is the inverse of transparency, Anti-Money Laundering/Counter-Financing of Terrorism (AML). The CPI was obtained from Transparency International (TI), and it ranges from 0 to 10 where low values indicate high transparency and low corruption. Gender Inequality Index (GII) was used as gender index. Our data set contains 89 countries over 10 years (from 2008 to 2017). This study used the dynamic panel data approach, system generalized method of moments (GMM-SYSTEM) and Panel vector autoregressive model (PVAR) to examine the relationship between corruption and gender inequality, where the government performance and religions (Islam and Christianity) can link between corruption and gender inequality. In order to investigate the effect of countries (cross-sections), two groups of Muslim and Christian countries have been used. However, in order to investigate government performance effect on relation between corruption and gender inequality and examine robustness test the results of the study used two groups of instrument variables. The first group is the worldwide governance indicators (WGI) and second group is Fraser institute indicators.

Findings

In order to answer the question, does corruption more depend on gender or institutional factors? Despite the behavioral specifications of women, the rate of corruption in women is lower than men (Dollar et al., 2001). We find by System Generalized Method of Moments strong evidence about this prediction. Results show that women's participation decreases corruption and that corruption decreases women's participation in government; and both effects are substantively significant. However, the estimation results of the systems studied in the present article confirm that the relationship between corruption index and gender inequality is significantly affected by the way the government works. While religions have no effect on how the index of corruption and gender inequality affect each other. Therefore, it can be said that government performance is a missing loop in relationship between corruption and gender and its effects are statistically significant.

Discussion and Conclusion

Corruption is a historical, important and effective phenomenon. There is extensive researches about the factors of corruption. The social science literature indicates that women may be more honest or more risk averse and may have higher standards of ethical behavior and may be more concerned with the common good in comparison with men. This would imply that women are more willing to sacrifice private profit for the public good and this would be especially important for political and public life. Does greater participation of women in the public

sector cause decreased corruption, or does greater corruption in government cause lower participation of women in government? In this study, our overall impression is that the evidence supports both propositions. So, the major aim in article is to explain the gender behavior of human to do corrupt activity in the formwork of government and religions using the dynamic panel data approach. Thus, this study used statistical data from 89 countries during 2008-2017, two corruption indicators, two groups of instrument variables and two groups of countries. The selection of countries was based on access to statistical data. The estimations show that religion has no significant effect on corruption and gender inequality index, i.e. Islam and Christianity have no significant effect on relation between corruption and gender inequality index. This study also investigated the impact of government performance on relation between two indices. In all systems, Sargan test has been confirmed. In summary, the results of estimated systems indicate that government institution is a missing loop in relationship between corruption and gender and its effects are statistically significant.

Keywords: Corruption, Money Laundering, Gender, religion, Government
JEL Classification: H11, H12, J08, J16, J18, O11